



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

تأثیر رسانه ها بر تحولات اجتماعی : استنتاج هذلولی در مورد اثرات

چکیده

اظهارات ارائه شده در مورد ارزش تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT) (سپس رسانه های سنتی ، جدید و اجتماعی) در تحولات اجتماعی – هذلولی در منابع رسانه ای محبوب و رسانه های اجتماعی مانند فیس بوک ، توئیتر و ... – باعث مطرح شدن سوالات علمی شده اند که به بررسی انتقادی مفاهیم این فرضیات برای کشورهای آفریقایی می پردازند. با احساس گرایش نسبت به جبرگرایی تکنولوژیک ، موقعیتی برای تشخیص روابط پیچیده میان جامعه و تکنولوژی ؛ نویسندگان به بررسی فرضیات علمی مطبوعات معروف در مورد ارزش رسانه ها در طول تحولات و جنبش های اجتماعی پرداختند. پرسش هایی که به طور انتقادی ، نقش و قدرت رسانه های قدیم و جدید را در تحولات و جنبش های اجتماعی تجزیه و تحلیل می کنند ، باید به خصوص در مورد تکرارهای قرن 21 که در آن شهروندان سازنده و اشاعه دهنده ی اخبار و اطلاعات هستند ، مطرح شوند. به عنوان مثال : رسانه های مختلف تا چه حدی به فعالان جنبش های اجتماعی کمک می کنند و یا آن ها را محدود می کنند ؟ چگونه فناوری جدید اطلاعات و ارتباطات به شهروندان فعال در دور زدن قدرت و دسترسی رسانه های سنتی کمک می کند؟ نقش رسانه های سنتی و جدید در جنبش ها و تحولات اجتماعی چگونه در رسانه های معروف و مجلات علمی بیان شده است؟ چه عوامل زمینه ای بر موفقیت جنبش های اجتماعی تاثیر گذار می باشند؟ (مانند شبکه های اجتماعی ، مداخلات شخص ثالث و خارجی ، شکاف دیجیتالی و ...). در قاره ای که مملو از اختلافات فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی می باشد ، نویسندگان کاربرد سیستم عامل های رسانه های جدید (مانند فیس بوک ، توئیتر ، پیام کوتاه) و قدیم (مانند رادیو ، روزنامه و تلویزیون) را با 4 جنبش اجتماعی در طول 35 سال به طور انتقادی در سراسر آفریقا بررسی کردند. ارزیابی ها نشان دهنده ی توانمندی شهروندان و قابلیت های فزاینده ی رسانه های جدید می باشند ، اما بر ارزش عوامل زمینه ای تاکید

می کنند که فرضیات هایپربولیک را در رابطه با نقش رسانه های جدید در شکل گیری و پیشرفت جنبش های اجتماعی به حداقل می رسانند.

مقدمه

در ماه های اخیر ، بحث های زیادی در رابطه با کاربرد تلفن های همراه و سایر اشکال اطلاعات جدید و تکنولوژی های ارتباطی (ICT) (مانند فیس بوک ، توییتر ، وبلاگ ها و ...) صورت گرفته است ، و توجه صاحب نظران را در سراسر بخش های جامعه ی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به خود جلب کردند. این افراد شامل نمایندگان دولت ، سازمان های غیر دولتی ، بخش خصوصی ، جامعه ی مدنی ، رسانه های جمعی و دانشگاه ها می شدند. مسائل کم تری وجود دارند که موجب متمرکز شدن سهامداران مختلف بر یک موضوع مهم شده اند - روابط میان ICT ها و جامعه. برخی از این مکالمه ها در گروه هایی صورت می گیرند که به بررسی مفهوم فناوری اطلاعات و ارتباطات برای توسعه (ICT4D) می پردازند یا به اجزای اصلی برنامه های بین المللی تبدیل می شوند ، یعنی در اهداف توسعه ی قرن (MDG ها). در دانشگاه و به خصوص در زمینه های مربوط به ارتباطات ، چند گروه ذینفع ، کنفرانس ها و موضوعات خاص مجلات و کتاب ها بر یک هدف متمرکز شده اند- چگونه پیشرفت رو به رشد ICT های جدید را در ابعاد گوناگون جامعه تحقق بخشیم.

تحولات اخیر مانند جنبش سبز ایران در سال 2009 و جنبش شرق میانه و شمال آفریقا (MENA) به خصوص جنبش اجتماعی مصر در سال 2011 ، که در آن کاربرد ICT های جدید منجر به معرفی رسانه های جدید مانند انقلاب توییتر و فیس بوک در سخنرانی ها گردید. برخی از دانشگاهیان که به مطالعه ی این حوادث در مجلات علمی پرداخته اند ، با این فانتزی تخیلی اغراق آمیز سردرگم شده اند. بحث روش خوبی برای توصیف تلاش به منظور درک علمی رشد نمایی و چند جهتی و دسترسی به ICT های جدید و هم چنین تاثیرات آن ها ، به خصوص در جنبش های اجتماعی و سیاسی مانند بهار عربی می باشد. اکتشافات علمی نیز به طور خاص با رویکرد های نظری و روش شناختی مختلف و با دامنه های متنوعی از تعامل کاربران در هم آمیخته اند. این

پیچیدگی دوم گروه دیگری از محققان را گرد هم آورده است که مانند محققانی که در قرن 20 به بررسی اثر رسانه ها می پرداختند ، عمل می کنند (کلپر ، 1960).

طبقه بندی فعلی در میان دانشگاهیان منجر به بررسی و تعریف مجدد این مفاهیم به عنوان رسانه های جدید ؛ مشارکت ؛ حوزه ی عمومی ؛ جنبش اجتماعی ؛ شبکه های اجتماعی و ... شده است. با توجه به این که مباحثات قرن 20 هرگز به طور کامل حل و فصل نشدند ، در مورد حل شدن مسئله ی فعلی نیز شک و تردید وجود دارد. با این حال، یکی از اهداف ما در این مقاله ، پیوستن به گفت و گو های دانشگاهی می باشد که در اثر جنبش های اجتماعی اخیر در قاره ی آفریقا شکل گرفته اند. به طور خاص، عباراتی که از طریق رسانه ها در گفتمان های اجتماعی و علمی ابداع شده اند مانند انقلاب توپیتر و انقلاب فیس بوک به ما برای ارزیابی انتقادی پیامدهای این فرضیه ها کمک می کنند که به موجب آن به سمت جبرگرایی تکنولوژیک متمایل می شویم - موقعیتی که به گفته یی کاستلز (1996) مملو از شکست برای تشخیص روابط پیچیده میان جامعه و تکنولوژی می باشد. علاوه براین ، گمان ما بر این است که اغراق های فوق الذکر با برخی از معیارهای مغایرت دارند ، از جمله شواهد آماری در مورد اشتراک اینترنت و توزیع جمعیت شناختی کاربرد در کشورهای مرجع. در نتیجه ، هدف ما بررسی فرضیات مطبوعات مهم در برابر ارزیابی تحقیقات علمی مربوط به نقش های ICT ها در جنبش های اجتماعی اخیر می باشد. با توجه به استنتاج های مطرح شده در مطبوعات مهم و جوامع علمی ، تلاش ما در جهت ارزیابی درک فعلی از چگونگی نقش رسانه ها در جنبش های اجتماعی تغییر یافته با معرفی ICT های تعاملی می باشد. علاوه بر این ، برای مطالعه ی این فرضیات با ارائه ی مطالعات موردی در رابطه با استفاده از رسانه های جدید و قدیم در چهار جنبش اجتماعی در آفریقا در طول 35 سال ، تلاش می کنیم. در قاره ای با تقسیم بندی های فرهنگی ، سیاسی و اجتماعی ابعاد تاریخی ، کاربرد متنوع رسانه های جدید (مانند فیس بوک ، توپیتر و پیام کوتاه) و قدیم (مانند رادیو ، روزنامه و تلویزیون) را در جنبش های اجتماعی متعدد بررسی می کنیم.

هدف دیگر ما در این مقاله شناسایی سازگاری ها و تناقض هایی است که ممکن است بین رسانه های معروف ، درک دانشگاهی و مطالعات موردی کاربرد رسانه ها (جدید و قدیم) در جنبش های اجتماعی آفریقا وجود داشته باشد. بنابراین ، امید داریم که تعامل های میان جامعه و رسانه ها به طور برجسته نشان داده شوند و در این فرآیند بردار های مختلف اهمیت در موفقیت و شکست جنبش های اجتماعی شناسایی شوند. یکی از آن ها بی عدالتی در پیشرفت و نفوذ رسانه های جدید در میان شمال و جنوب جهانی می باشد. دیگری فرصتی است که با رویداد های اخیر در شمال آفریقا ایجاد شده است. هم چنین باید توجه داشت که افزایش اخیر در نیاز دانشگاهیان به ارزیابی نقش ICT ها در جنبش های اجتماعی و سیاسی ناشی از حوادث رخ داده در آفریقا می باشد.

فرآیند شناخت گفتمان های در حال ظهور

در این مقاله سه روش برای شناسایی گفت و گو هایی در مورد استفاده از رسانه های در جنبش های اجتماعی ، به کار رفته است. ابتدا ، نقش توییتر و فیس بوک را در جنبش اجتماعی مصر در سال 2011 در رسانه های غربی در نظر گرفتیم. سپس به بررسی مقالاتی پرداختیم که بر نقش رسانه های جدید در جنبش های اجتماعی متمرکز هستند تا مسیر گفتمان های علمی را در مورد موضوع مورد مطالعه شناسایی کنند. در این روش ، بررسی ادبیات به منزله ی جمع آوری داده به شمار می رود. این روش ما را قادر به شناسایی سازگاری ها و تناقض های میان رسانه های مردمی ، درک دانشگاهی و مطالعات موردی در رابطه با استفاده از رسانه ها در جنبش های اجتماعی می سازد.

گفتمان های در حال ظهور : بحث های عمومی و علمی

هدف ما در این بخش پاسخ دادن به سوالات زیر می باشد : نقش رسانه های جدید و قدیم در جنبش های اجتماعی چگونه در مطبوعات عمومی و مجلات علمی بیان شده است؟ گفتمان در حال ظهور در دو دسته سازمان دهی شده است : ویژگی ها و محدودیت های استفاده از رسانه های جدید در جنبش های اجتماعی. به

منظور افزایش دسترسی ، تمرکز ما بر موضوعات عمده می باشد. این بخش با بیان مشکل دانشمندان در رابطه با نیاز های ناشی از ICT برای تعاریف مفهومی یا مفهوم های نظری به پایان می رسد.

مطبوعات عمومی

برای در نظر گرفتن چگونگی بیان شدن استفاده از ICT های جدید در جنبش های اجتماعی ، در رسانه های غربی ، به بررسی یافته های یک مطالعه می پردازیم که در آن نویسنده نقش رسانه های اجتماعی را در جنبش اجتماعی مصر در سال 2011 بررسی کرده است (مارتین ، 2012). در این مطالعه سه روزنامه ی ملی در ایالت متحده با تیراژ بالا تجزیه و تحلیل شده اند : نیویورک تایمز ، USA Today ، و واشنگتن پست. مقالات انتخاب شده یک دوره ی زمانی سه ماهه از 1 ژانویه تا 1 مارس 2011 را در بر می گرفتند. (زمان اولین اعتراض و استفعای حسنی مبارک ، رئیس جمهور مصر).¹ از 38 مقاله ی بررسی شده ، در 33 مقاله از ICT های جدید در جنبش های اجتماعی مصر به عنوان بخش جدایی ناپذیر جنبش های اجتماعی و موفقیت آن ها استفاده شده بود. در مقاله ای ، که در آن استفاده از فی بوک در جنبش اجتماعی مصر در سال 2011 بررسی شده بود : پیش بینی یعنی به خاطر آوردن خشم عراق در 25 فوریه ، که یک ماه پس از مشخص شدن روز خشم در فیس بوک ، در مصر حسنی مبارک بر کنار شد. در مطالعه ی دیگری یک رسانه ی اجتماعی با ارائه ی راهی برای استخدام فعالان : پس از اخراج موفق دیکتاتور زین العابدین بن علی در تونس ، در فیس بوک فراخوانی برای جنبش اجتماعی در مصر در 25 ژانویه دیده شد. در مطالعه ی دیگری نقش رسانه های اجتماعی برای فعالان غیر ماهر برجسته شده است: برخلاف شورش های جوان که توسط فیس بوک فعال سازی شده اند (در مصر) ، شورش در این جا توسط افرادی هدایت می شود که بالغ تر هستند و در زمان های خاصی به طور جدی با دولت مخالفت می کنند (فهیم و کرک پاتریک ، 2011). اظهارات دیگری در مجله های خبری به چشم می خورد که بر توانایی فیس بوک و توییتر در افزایش اثربخشی و موفقیت جنبش های اجتماعی به منظور گسترش دموکراسی و مشارکت جهانی در جنبش های اجتماعی ، تاکید می کنند (از جمله غیر شهروندان). این اظهارات عبارت اند از : این یک فریاد آنلاین برای نشان دادن مخالفت با استبداد ، فساد و شکنجه بود که این جنبش

جوان به طور غیر منتظره به یک خط مقدم به عنوان موثرترین نیروی سیاسی مستقل در مصر تبدیل شد (کرک پاتریک و اسلاکمن، 2011). در مطالعه ی دیگری اثر رسانه های اجتماعی بر دموکراسی در سراسر مرزهای فرهنگی و اجتماعی به طور برجسته نشان داده شده است : سایت هایی مانند توییتر و فیس بوک بخش جدایی ناپذیر جنبش های دموکراسی در تونس و مصر بودند (جانسون، 2011). نقل قول های زیر برگرفته از دو مقاله ، نشان دهنده ی نقش های رسانه های اجتماعی به عنوان تسهیل کننده ی آگاهی جهانی و عامل توانمند سازی مشارکت دیگران در حوزه ی عمومی جهانی می باشند. در نقل قول اول پیش بینی می شود که: فیس بوک توییتر ، لپتاپ و گوشی های هوشمند توانستند به مخالفان حسنی مبارک قدرت بخشند ، ضعف او را در معرض دید جهانی قرار دهند و رژیم او را سرنگون کنند (شین، 2011). دومی ، نوشته شده توسط استوور (2011) بر توانایی مشارکت جهانی در جنبش های اجتماعی تاکید می کند. در حال حاضر ، همه ی ما از حقوق بشر برای نشان دادن انقلاب خود در تلویزیون برخوردار هستیم و می توانیم در آن ها شرکت کنیم ، حتی اگر از لحاظ تکنیکی به ما نزدیک نباشد. به عنوان مثال ، مقالات خبری تاکید می کنند که جنبش های اجتماعی در فیس بوک یا توییتر ایجاد ، سازمان دهی و یا آغاز می شوند. مبالغه در مورد ارزش های فیس بوک و توییتر مانند دموکراتیزه کردن تکنولوژی ها ، مرجع کمی را فراهم می آورند و یا هیچ مرجعی را برای فعالیت های آفلاین شهروندان فراهم می آورند که حضور فیزیکی آن ها باعث انقلاب می شود. هم چنین ارزیابی نابرابری های اجتماعی ، سیاسی ، طبقاتی و تکنیکی مرتبط با کاربرد ICT ها غیر قابل تشخیص می باشد. علاوه بر این ، در پوشش های خبری ، اثرات نامطلوب کاربرد ICT های جدید برای اهداف اجتماعی بی ثبات ، حذف شده اند. در حال حاضر تلاش ما برای تعیین این موضوع است که آیا دانشمندان با سازمان های جنبش اجتماعی (SMO) این شکاف را با ارائه ی درک دقیق تر از اثرات کاربرد ICT های جدید پر می کنند یا نه.

تحقیقات علمی

بنابراین برای درک بهتر گفتمان های علمی در رابطه با نقش رسانه ها در جنبش های اجتماعی معاصر به بررسی مقاله های مجلات علمی پرداختیم . در حالی که پایگاه داده های فوق الذکر ممکن است جامع نباشند ،

مطمئن هستیم که مقالات موجود در مجله ها برای پاسخ به سوالات فراگیر تحقیق کافی می باشند. به این ترتیب ، با بررسی ادبیات، سوالات زیر به عنوان راهنما در نظر گرفته می شوند: رسانه های جدید مختلف تا چه حدی مشارکت عوامل را در جنبش های اجتماعی تسهیل می بخشند یا محدود می کنند؟ چگونه رسانه های جدید بر قدرت رسانه های قدیم برای تجهیز کردن فعالان شهروند ، غالب می شوند؟

1. مقاله ی فردی واحد تجزیه و تحلیل است. انتخاب اخبار با استفاده از پایگاه داده ی LexisNexis صورت می گیرد. کلمات کلیدی برای شناسایی مقالات مربوطه مورد استفاده قرار گرفته اند: مصر ، انقلاب، فیس بوک، توئیتر. علاوه بر این ، مقالات در صورتی که هر یک از واژه های کلیدی مصر ، انقلاب ،و فیس بوک یا مصر ، انقلاب و توئیتر در همین پاراگراف مشاهده شوند، انتخاب می شوند. این واژه های کلیدی ما را مطمئن می سازند که تمرکز اصلی داستان ، استفاده از رسانه های اجتماعی در انقلاب می باشد. بر اساس این معیارها، 38 مقاله پیدا شدند. هر مقاله چندین بار خوانده شد و به منظور نشان دادن بهتر طرح های اساسی ، نظرات ثبت شدند.

نقش رسانه های جدید و قدیم در جنبش های اجتماعی چگونه در مجلات علمی بیان می شود؟ در مطالعه ی ما بحثی در میان دانشگاهیان در رابطه با میزان اثر ICT های جدید در جنبش های اجتماعی و در مورد طیف وسیع تری از سنجش عمومی مورد بررسی قرار گرفته است. در حالی که برخی از دانشگاهیان شواهد ناکافی از اثر ICT را برای تضمین مفاهیم و نظریه ها مشاهده می کنند ، دیگران نام گذاری جدیدی از حوزه ی عمومی را مطرح می کنند.

ویژگی های تکنولوژی های رسانه های جدید

برای ارزیابی اثرات رسانه ها ، داوونینگ (2008) چهار ویژگی کلی تکنولوژی های رسانه های جدید را مطرح کرد ، از جمله توانایی افراد در خارج از کشور برای ساخت روابط اجتماعی و سیاسی جدید ، قابلیت گروه های حاشیه نشین برای نفوذ بر پوشش رسانه ای اصلی با استفاده ی استراتژیک از رسانه های جدید و توانایی فعال سازی روزنامه نگاری ایجاد شده توسط شهروندان ، که فعالیت های دموکراتیک را از طریق ابزار های مشارکتی و جمعی ترغیب می کند (سرینیواسان و فیش ، 2009).

کاتل (2008) بر نقش اینترنت به عنوان جایگزینی برای رسانه های اصلی و سنتی تاکید کرده است. به این طریق ، اینترنت در مقایسه با رسانه های سنتی ، اخلاص در رسانه های جمعی مربوط به جنبش های اجتماعی را

امکان پذیر می سازد. ICT های جدید نیز با ارائه ی پلت فرمی شناخته می شوند که به علت کاهش فاصله ی جغرافیایی و هزینه های فیزیکی و اقتصادی مشارکت سیاسی در دسترس طیف وسیع تری از شهروندان قرار دارد. فهمی (2009) اظهار داشته است که ICT های جدید ، جغرافیای جدیدی از اعتراضات و جنبش ها را ایجاد کرده اند و مبارزات و منابع (فعالان خود) را به حوزه های مجازی جایگزین انتقال داده اند . به جای مشارکت در فعالیت های جنبش اجتماعی ، سیستم عامل های آنلاین ایجاد فضاهای مجازی را در میانی شهروندانی که در بحث ها و تظاهرات شرکت می کنند ، امکان پذیر می سازند. با مطالعه ی جنبش سبز ایران در سال 2009 ، سهرابی-حقیقت (2010) به اثر تعریف شده توسط کک و سیکینک (1998) برای شرح قابلیت های جنبش های اجتماعی به منظور دستیابی به متحدین بین المللی برای تحمیل فشار خارجی بر دولت اشاره کردند. با توجه به مطالعه ی سهرابی- حقیقت (2010)؛ توانایی رسانه های اجتماعی برای دستیابی به مخاطبان فراملی و دور زدن سلسله مراتب سیاسی سنتی ، موجب افزایش توانایی مخالفان در شکل گیری جنبش های آن ها و بسیج کردن شهروندان در حوزه های محلی و خارجی می شود. در این مطالعه، گسترش افق اطلاعات و فعالیت و توانایی تعامل افراد در موقعیت های متعدد با کم ترین دشواری ، مهم ترین ویژگی های رسانه های جدید و اینترنت در جهت افزایش اثربخشی های عملیاتی SMO ها می باشند. در مطالعه ی فهمی (2009) در رابطه با کاربرد ICT های جدید توسط مصری ها ، که در اعتراضات سال 2006 در میدان تحریر قاهره شرکت کردند ، نویسنده اظهار داشت که اینترنت نظارت و کنترل جنبش های اجتماعی را به علت کمبود سلسله مراتب و تمرکز قدرت امکان پذیر می سازد.هم چنین نویسنده بر نقش محدودیت های سیاسی در شکل گیری فضاهای آنلاین برای بیان کمک می کند. در نتیجه ی محدودیت دولتی در توزیع متعلقات مربوط به اعتراضات، مصری ها به محیط های آنلاین روی آوردند که در آن روزنامه نگاری شهروندی موجب رشد ، توسعه و شکل گیری نظرات عمومی ، مشارکت سیاسی دنیای واقعی و هم چنین تعامل در جنبش های اجتماعی شده است (فهمی ، 2009 ، آندویزا و همکاران ، 2009 ؛ کیم و کیم ، 2009). شهروندان و سازمان های جنبش اجتماعی در اثر سیاست های محدود کننده ی دولت در موقعیت های آنلاین ایجاد شده اند. در این مکان های

امن ، تلاش های ضد شورش توسط سازمان های دولتی ممکن است به علت امکانات تکنولوژیکی ناکافی یا ساختارهای نامنظم و موقعیت های مختلف مخالفان حذف شود. شواهد فهمی (2009) مانند دیگران بر قابلیت های مبارزه ی جغرافیایی به عنوان یک مزیت مهم تاکید می کند که با اینترنت و سایر رسانه های جدید فعال شده اند. علاوه بر این، کارتی (2010) به بررسی اثر اینترنت بر فعالیت ، استخدام و ساخت شبکه در مشارکت سیاسی پرداخته است. یافته های نویسنده نشان می دهند که ICT های جدید حالت های جدیدی از ارتباطات ، انواع هویت جمعی و همبستگی را امکان پذیر می سازند (کارتی ، 2010). نویسنده به بررسی و مطالعه این فرض پرداخت که مشارکت سیاسی آنلاین بهتر از مکالمه ی سیاسی سنتی و رو در رو می باشد و تصریح می کند که مشارکت سیاسی و فعالیت به طور متقابل با یکدیگر در ارتباط می باشند. آندویزا و همکاران (2009) با حالت دوم موافق بودند و نشان دادند که مطالعه ی نفوذ اینترنت بر مشارکت سیاسی باید ارزیابی نفوذ آن را در سه دسته در بر گیرد: (1) فعالیت هایی که می توانند به طور موثر به صورت آنلاین و آفلاین اجرا شوند ، (2) فعالیت هایی که تنها به صورت آنلاین می توانند انجام شوند ، و (3) فعالیت هایی که تنها به صورت آفلاین اجرا می شوند. ایجاد این تمایز ها ، درک مفهومی روشن تری از اثرات اینترنت بر مشارکت سیاسی فراهم می آورد.

محدودیت های تکنولوژی های رسانه های جدید

سایر محققان اظهار داشته اند که اینترنت ممکن است نقش محدودی در ایجاد جنبش های اجتماعی داشته باشد. آروف در حالی که ادعا می کند اینترنت ابزاری است که از شهروندان به صورت فنی و اخلاقی حمایت می کند و تاکید می کند که تاکتیک های آنلاین باید با سایر تکنیک ها (آفلاین) هم خوانی داشته باشند – استفاده از پوستر ، توزیع رساله های زیر زمینی و مشارکت در فعالیت های خیابانی- تا دستیابی به بسیج محلی امکان پذیر شود. مسمورا (2008) در مطالعه ای درباره ی استفاده از اینترنت برای رسیدن به آگاهی و مشارکت در فعالیت های صلح اعراب و اسرائیل ، نتیجه گرفت در حالی که اینترنت قادر به بسیج کردن تلاش ها و افزایش آگاهی در مورد مسائل اجتماعی است ، قابلیت آن در پیشی گرفتن از پناهگاه های ایدولوژیک و نفوذ بر سیاست های دولتی کم است. فیشر و بکویی (2010) دریافتند که اگر اینترنت تنها ابزاری باشد که یک فرد به

واسطه ی آن جنبش اجتماعی را می آموزد ، آن فرد با احتمال بسیار کم تری نسبت به افرادی که در روابط رو در رو یا روابط اجتماعی شخصی قرار دارند ، در فعالیت های جنبش اجتماعی زیر زمینی مشارکت می کند. علاوه بر این ، محققان (گیلان ، 2009 ؛ فنتون، 2008) اظهار داشته اند در حالی که اینترنت پلت فرم جایگزینی را ارائه می دهد که صدا ها و بحث های سیاسی مختلف را در بر می گیرد ، فعالان با استفاده از اینترنت به سطحی از انتخاب دسترسی دارند و یک پیله ی اطلاعاتی ایجاد می کنند (گیلان ، 2009، صفحه ی 31). فنتون (2008) استدلال کرد که پلت فرم های آنلاین قابلیت سازمان دهی ، و افزایش مشارکت سیاسی را برای شهروندان فراهم می آورند ، اما اطمینان از این که این پلت فرم ها قربانی شخصی گرایی نمی شوند باعث ایجاد گروه های پراکنده می شود، و نداشتن قدرت کافی برای تاثیر بر تغییرات مطلوب به عنوان یک چالش مهم باقی می ماند. علاوه بر این ، رسانه های اجتماعی و سایر وب سایت های تعاملی باعث ایجاد خطر غالب شدن کنترل SMO بر پیام ها و تاکتیک های آن می شوند (گیلان ، 2009). سایر محققان (بنکسر، 2006؛ بیمبر و همکاران ، 2005؛ ارل و شاسمن، 2003) اظهار داشته اند که هزینه ی پایین پلت فرم های سیاسی آنلاین موجب کاهش تلاش برای جنبش های اجتماعی آفلاین می شوند ، بنابراین ، قدرت و فرکانس که با آن ها فعالیت می کنند کاهش می یابد. علاوه بر این ، آندویزا و همکاران (2009) اظهار داشته اند، در حالی که ICT های جدید ممکن است هزینه ی مشارکت را کاهش دهند ، کاربرد موثر آن ها به مهارت های آنلاین شرکت کننده ها و دسترسی به اینترنت بستگی دارد. در مقابل ، طبق بررسی لرنر (2010) ، هزینه ی بالای دسترسی به ICT های جدید شامل استفاده توسط گروه های ضعیف و حاشیه نشین نمی شود.

مشکل محققان : آیا مفهوم سازی مجدد نظری ضروری است؟

بر اساس طبقه بندی فوق در میان محققان در مورد اثرات ICT ها بر جنبش های اجتماعی ، نظرات در رابطه با نیاز به مفهوم سازی مجدد متفاوت می باشند. ارل و همکاران (2010) در مطالعه ی خود به بررسی چالش ارزیابی نویسندگان تحقیقات دانشگاهی در رابطه با ویژگی و محدودیت های اینترنت و سایر تکنولوژی های ارتباطات و اطلاعات در فعالیت های اجتماعی پرداختند. فرض آن ها بر این است که یافته های متفاوت در مورد

اثر اینترنت بر فعالیت اجتماعی ناشی از تمرکز روش بر انواع فعالیت های اینترنتی می باشد. به عنوان مثال، تعداد زیادی از محققان تمایل به مطالعه ی کاربرد های وب دارند که تجهیزات آنلاین را پشتیبانی می کنند ، در حالی که تعداد کمی از محققان تمایل به مطالعه ی تجهیزات آنلاین دارند (محققانی که به تغییرات اساسی تری پی برده اند). نویسندگان در رابطه با این تمرکز چند جهتی جامعه ی علمی اطلاعات بیش تری ارائه کردند ، اما سوالات بسیاری بدون پاسخ باقی مانده اند. به عنوان مثال، آن ها استدلال کرده اند در مواردی که کاربرد اینترنت در بسیج اجتماعی اثر بسیار کمی دارد ، استفاده از رویکرد های نظری جاری برای مطالعه ی بسیج اجتماعی ضروری نیست. به عبارت دیگر ، اثر اینترنت فقط به مقیاس مربوط می شود - برجسته کردن یا سرعت بخشیدن به فرآیند ها باعث ایجاد جنبش و اعتراض می شود. به این ترتیب ، SMO ها (سازمان های جنبش اجتماعی) می توانند از طریق اینترنت با سرعت بیش تر و به طور گسترده تر مخاطبان بیش تری پیدا کنند. نتیجه ی این مکتب با مکتب اثر حداقل هم خوانی دارد، مبنی بر این که فرآیند های اساسی که باعث ایجاد جنبش می شوند ، اساسا با اثر فوق العاده ی اینترنت تغییر نمی کنند. در مجموع ، اگرچه اینترنت (الف) اطلاعات سریع ، (ب) کاهش هزینه ی ارتباطات و اطلاعات آنلاین ، (ج) خودتوانمندسازی با ایجاد ائتلاف های گسترده ی آنلاین و (د) بسیج شدن را امکان پذیر می سازد ، دارای مفهوم یکسانی با جنبش می باشد.

استدلال مفهوم سازی مجدد

کارتی (2010) بر این باور است که ICT های جدید اثر زیادی بر فرآیند های جنبش های اجتماعی برای تضمین مفهوم سازی مجدد دارند. با توجه به درک حوزه ی عمومی و نظریه ی انتقادی هابرماس (1981، 1989، 1993)، کارتی از MoveOn.org در موارد زیر استفاده کرد : (1) موردی که با آن دستاورد سازمان تعیین می شود و چگونگی گسترش دامنه ی آگاهی در رابطه با نقش رسانه های جدید به وسیله ی فعالیت های آن به عنوان یک تهاتری برای بسیاری از سازمان های جنبش اجتماعی. (2) برای کمک به تعیین ضرورت مفهوم سازی مجدد جنبش های اجتماعی و مفاهیم مرتبط (مانند نظرات عمومی و حوزه ی عمومی). کارتی (2010) دیدگاه هابرماس را به صورت زیر تصریح کرد: با ظهور سرمایه داری متاخر ، صنایع فرهنگی و قدرت

شرکت های بزرگ در زندگی عمومی شهروندان نسبت به مصرف کنندگان منفعل کالاها ، خدمات و مدیریت سیاسی حساس می باشند و در نتیجه دموکراسی ، فردیت و آزادی کاهش می یابد. نظرات عمومی (استدلال هابرماس) اکنون تا حد معینی توسط نخبگان سیاسی ، اقتصادی و رسانه ای اداره می شود که نظرات عمومی را به عنوان بخشی از کنترل اجتماعی در نظر می گیرند. نتیجه ی خطرناک ممکن این است که افکار و نظرات عمومی ممکن است از بحث ، گفت و گو و انعکاس (ارتباط) به نظرسنجی یا متخصصان رسانه و سازمان های مشاوره سیاسی تغییر کنند. این مبنای مناسبی برای بررسی روش هایی است که با آن ها رسانه های جدید می توانند به دفاع در حوزه ی عمومی کمک کنند. کارتی مانند کاستلز (2000) ، ظرفیت رسانه های جدید را در بازگرداندن جامعه به جایی که دموکراسی جامعه بر اساس مقاومت در برابر قوانین و مقررات دولت تعیین می شود ، درک کرد. در این شرایط سیستماتیک، اینترنت می تواند : (الف) تحرک سیاسی و آگاهی از مسائل اجتماعی مهم که خارج از کنترل شرکت های رسانه ای می باشند ، را افزایش دهد. (ب) فرآیند های اقدام جمعی و سازماندهی سیاسی را با ساختارهای بوروکراتیک و ایجاد مرزهای متخلخل دموکراتیزه کند موانع تحرک مردمی و سازمانی را کاهش دهد و جریان سیاست را سرعت بخشد (کارتی ، 2010). کارتی (2010) مانند سایر محققان (فنتون ، 2008؛ آندویزا و همکاران ، 2009 ؛ گیلان ، 2009) تشخیص داد که به رغم مزیت ها ، اینترنت دارای محدودیت هایی نیز می باشد. یکی از محدودیت های آن این است که روابط اجتماعی مجازی در فضای سایبری به علت فقدان روابط بین فردی جایگزین جوامع سنتی ، اعتراض و هویت فردی سنتی نمی شوند. یکی دیگر از محدودیت های آن این است که بسیاری از گروه های گفت و گو با چالش های اطلاعاتی روبه رو هستند. با این حال، به رغم نکات منفی رسانه های جدید ، کارتی به این نتیجه رسید که : شواهد فراوانی از تغییر چشم گیر ظرفیت ارتباطی به واسطه ی اینترنت وجود دارد. گسترش رسانه های جمعی و ارتباطات ICT به طرز چشمگیری روش ارسال ، دریافت و دسترسی به اطلاعات را تغییر داده اند و این موضوع قابلیت های نهادهای رسانه ای ، فرهنگی و سیاسی را برای اطمینان از برتری اینترنت ، به خطر انداخته است. علاوه بر این ، MoveOn نشان داد که مشارکت و فعالیت سیاسی آنلاین از حالت رو در رو خارج نشده است و

به این ترتیب بر این واقعیت که فعالیت آنلاین و آفلاین یکدیگر را تقویت می کنند، تاکید شده است. آروف و الکساندر (2011) نیز هم نظر هستند. با وجود نتیجه گیری او بر مبنای این که MoveOn نشان دهنده ی وجود یک رابطه ی مکمل میان رسانه های جدید و فعالیت های آفلاین جنبش های اجتماعی می باشد، کارتی خواستار مفهوم سازی مجدد دموکراسی مشارکتی ، حوزه ی عمومی و گفتمان عمومی تاثیر گرفته از تکنولوژی های جدید و اشکال جدید رسانه هایی است که انواع جدید هویت جمعی ، شبکه ها و اقدامات ارتباطی را امکان پذیر می سازند.

استدلال در برای مفهوم سازی مجدد

Yzer و Southwell (2008) ، در این رابطه یادآوری می کنند که اصطلاح رسانه ی جدید نمی تواند با دستگاه های جدیدی که به وسیله ی آن ها به تبادل اطلاعات می پردازیم، هم معنی باشد . نویسندگان از خوانندگان خواسته اند که در مورد سوالات زیر بیاندیشند: آیا در مورد ساختارهای نظری جدید ، جست و جوی بیش از اندازه صورت گرفته است؟ آیا تمایل به جست و جوی ساختار های نظری جدید منجر به از دست رفتن فرصت برای درک بهتر ایده های قدیمی در مورد رابطه ی میان جریان های اطلاعات و تعامل انسانی می شود؟ هرچند این تکنولوژی ها بر پارامترهای تعامل انسانی تاثیر می گذارند و آن ها را گسترش می دهند ، اما اساسا نیازها و خواسته های انسان را تغییر نمی دهند و بنابراین ، منجر به منسوخ شدن نظریه های رفتاری فعلی نمی شوند. Yzer و Southwell (2008) ، اظهار داشته اند که :

تاکید بر تعریف ویژگی های همه ی تکنولوژی های جدید راه بهتری است ، به عبارتی از این راه توانایی تبادل اطلاعات میان افراد و گروه ها شرح داده می شود. این حرکت موجب حذف شدن بخش های غیر ضروری در ارتباطات بین فردی و جمعی می شود. ممکن است منطق های متفاوتی برای نیاز یا عدم نیاز به مفهوم سازی مجدد وجود داشته باشند . آیا نیاز کم یا زیادی برای مفهوم سازی مجدد وجود دارد؟ آیا می توان از این مورد با یک رویکرد فرآیندی برای درک روابط بین جامعه و ICT های جدید صرف نظر کرد؟ این سوالات در رابطه با این مسئله مورد نظر محققان بوده و پیش بینی می شود که در آینده نیز باقی بمانند.

مطالعات موردی قیاسی در آفریقا

ارزیابی و پیش بینی در مورد نقش های ICT در جنبش های اجتماعی مانند ارزیابی های صورت گرفته در مطبوعات عمومی و مجلات علمی منتشر شده به ما برای درک دقیق تر توسعه ی ICT در جنبش های اجتماعی در کشورهای آفریقایی کمک می کنند. با توجه به منابع آشکار کاستی های رسانه های سنتی (مانند روزنامه های و رادیو) زمانی که این رسانه ها با انواع جدید ICT مقایسه می شوند (مانند فیس بوک ، اینترنت و تویتر) ، هدف ما آشکار سازی نقش ICT های جدید و سنتی در جنبش های اجتماعی تاریخی و معاصر قاره ی آفریقا می باشد. به این منظور ، چهار کشور که میزبان جنبش های تاریخی و معاصر بودند و در آن ها رسانه های سنتی و ICT به آغاز جنبش های اجتماعی بزرگ کمک کرده اند ، را شناسایی نمودیم. مواردی که مقایسه شدند ، عبارت اند از : شورش سووتو آفریقای جنوبی (1976)، قتل عام قومی رواندا شامل هوتو و توتسی (1994) و اعتراض کنیا پس از انتخابات (08/2007)، و جنبش اجتماعی اخیر مصر علیه حسنی مبارک. موارد انتخاب شده در محل و ارزیابی قیاسی ارائه شده اند. دیون (1998) ، اظهار داشت که این ارزیابی ما را قادر به جمع آوری و تعیین ویژگی های مشترک این اتفاقات می سازند. این روش نیز ما را قادر به ارزیابی تفاوت ها می سازد. هدف ما مقایسه ی شواهد ارائه شده توسط کشورهای آفریقایی ، و ارزیابی رسانه های جدید و قدیم برای درک بهتر تجارب آفریقایی ها می باشد. سازگاری ها و ناسازگاری های میان ارزیابی و پیش بینی ارزش ICT های جدید در فعالیت های جنبش های اجتماعی در برابر تجارب آفریقایی ها ، مبنایی را برای ارزیابی جامع تر فراهم می آورد. به این ترتیب، یافته های ما به بحث مفهوم سازی مجدد نظریه های مربوط به نقش ICT در زندگی سیاسی و اجتماعی می پیوندند.

آفریقای جنوبی (شورش سووتو، 1976)

قیام در سووتو - یک محله یهودی نشین واقع در جنوب غربی ژوهانسبورگ - در ماه ژوئن سال 1976 به عنوان یک اعتراض مسالمت آمیز 'در برابر تلاش های رژیم آپارتاید به منظور معرفی زبان آفریقایی به عنوان زبان آموزشی در مدارس مجزا و عمدتاً سیاه ، آغاز شد. معترضان جوان و در سن مدرسه بودند، و دلیل این که باید

آفریقایی را در کنار زبان انگلیسی یاد بگیرند درک نمی کردند. زبان انگلیسی از زمان استعمار بریتانیا به عنوان زبان آموزشی تدریس می شد. به این ترتیب ، تظاهرات مسالمت آمیز ، توجه عوامل اجرای قانون را در پلیس ایالتی و نظامی به خود جلب کرد ، که از گاز اشک آور و اسلحه در تلاش برای سرکوب قیام توسط اکثریت در برابر اقلیت(دولت) استفاده می کردند. اعتراضاتی که از 25 ژانویه 2011 در مصر با هدف سرنگونی دولت حسنی مبارک صورت گرفت ، پرسش‌های مهمی را درباره نقش رسانه ها بویژه شبکه های اجتماعی ، در تحولات سیاسی این کشور مطرح کرد. آنچه در این اعتراضات ، مشهود است نوعی اصلاح گری دینی با هدف پایه گذاری نظام اجتماعی بر مبنای دین اسلام و به شیوه دینی است که از آن تعبیر به بیداری اسلامی می شود.اما اینکه میزان تاثیرگذاری این رسانه ها در تحولات این کشور چقدر بوده و تحلیلگران غربی که بر نقش موثر شبکه های اجتماعی در تحولات دمکراتیک کشورهای عربی تاکید می کنند چه هدفی دارند و آیا اساسا این تحلیل ها ، با ماهیت اسلامی این انقلاب یا وجهه مردمی بودن آن سازگار هست یا خیر ، سوالهایی هستند که این مقاله درصدد پاسخگویی به آن ها می باشد.امروزه پیشرفت تکنولوژی و گسترش رسانه های جمعی، تحولات زیادی را در ارتباطات و عرصه های گوناگون فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی و... به وجود آورده است. در این میان اینترنت در کنار دیگر کارکردهایش، از یک سو آگاهی سیاسی افراد را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر آنها را در مناسبات سیاسی درگیر می‌کند و از آنجایی که فضای عمومی شهری برای گفتگو به ندرت وجود دارد ، فضای مجازی به عرصه‌ای برای گفتگو تبدیل شده است و ویژگی اصلی آن، پویایی این فضا هست که با توجه به ابزارهایی که در اختیار کاربران قرار می‌دهد سبب می‌شود تا افراد بهتر بتوانند گرایشات سیاسی خود را نشان دهند.یکی از این فضاها که مخاطبان زیادی را جذب کرده است ، شبکه‌های اجتماعی هستند. شبکه‌های اجتماعی مجازی اغلب سرویسهای مبتنی بر وب هستند که سرویسهای آنلاین، پلت فرمها یا سایتهایی را شامل می‌شوند که افراد نظرات و علاقمندیهای خود را در آنها بیان کرده و با دیگران به اشتراک می‌گذارند.این شبکه‌ها ، فضایی ایجاد کرده اند که کاربران می توانند به جبران محدودیتها و موانع فضای واقعی زندگی بپردازند و فرصتی برای تعاملات، ارتباطات و انتقال پیام ایجاد شده است. از جمله کارکردهای سیاسی شبکه‌های اجتماعی می‌توان به

انقلابهای خاورمیانه و گسترش موج بیداری اسلامی اشاره کرد. آنچه در این تحولات قابل توجه هست، نقش رسانه های ارتباط جمعی و بخصوص شبکه های اجتماعی از جمله توئیتر و فیس بوک در اطلاع رسانی و گسترش این تحولات می باشد که نقش این شبکه ها را در تحولات سیاسی و اجتماعی ، بیش از پیش شایسته تحقیق و پژوهش می کند. در این میان ، مصر به لحاظ اینکه از تاثیرگذارترین کشورهای خاورمیانه محسوب می شود ، ضروری است تا نقش شبکه های اجتماعی به طور خاص در این کشور مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه ، مدت زیادی از وقوع این انقلابها نمی گذرد ، بدیهی است که آثار مکتوب در این زمینه ، اندک است و به منظور دسترسی به اطلاعات صحیح از جریانات مصر ، سعی شده از خبرگزاریها و منابع معتبر اینترنتی در این زمینه بهره گرفته شود که در پایان جمع بندی کلی از این بحث در قالب نتیجه بیان شده است.

جدول 1. تعداد تلفن های همراه و اشتراکات اینترنت در مصر ، کنیا، رواندا، آفریقای جنوبی ، آمریکا ، بریتانیا و

فرانسه

نام کشور	مشترکین تلفن همراه در هر 100 نفر (2009)	کاربران اینترنت در هر 100 نفر (2009)	درآمد ناخالص ملی سرانه (PPP) در USD (2010)
مصر	69.4	20.9	\$6160
کنیا	49.1	10.1	\$1630
رواندا	23.6	4.4	\$1150
آفریقای جنوبی	94.2	8.9	\$10.280
فرانسه	92.2	69.1	\$34.440
انگلستان	130.1	83.2	\$36.590
آمریکا	97.2	78.1	\$47.120

کشور مصر در شمال آفریقا و در شرق مدیترانه واقع شده است . اکثر مردم این کشور از سطح زندگی پایینی برخوردارند و مهاجرت فزاینده از مناطق روستایی به شهرها موجب افزایش شمار بیکاران در شهر شده است. مصر با جمعیت 50 میلیون نفری خود ، پرجمعیت ترین کشور در دنیای عرب است و زبان رسمی آن عربی است. 92 درصد از مردم مسلمان سنی و بقیه مسیحی قبطی هستند .مصر در طول تاریخ شش هزارساله خود به دفعات به اشغال ایرانی ها ، یونانی ها ، رومی ها و اعراب درآمده است . تا اوایل قرن شانزدهم ، سلسله های متعدد عرب به مصر حمله کردند که از میان آنها می توان فاطمی ها ، ایوبی ها و ممالیک را نام برد . تسلط دیرپای عثمانی ها بر مصر از 1517 آغاز شد . در ابتدای قرن نوزده ، مصر به مدت کوتاهی به اشغال فرانسوی ها درآمد . در 1802 مجدداً به ترکهای عثمانی بازگردانده شد . در 1882 مصر به اشغال نیروهای انگلیسی درآمد و در سال 1956 بنا بر انقضای پیمان ، آنجا را ترک کردند.در 1956 جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر شد و مصر اهمیت تازه ای در جهان پیدا کرد. مصر در جریان جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در ژوئن 1967 متحمل خسارات فراوانی شد که به منزله شکست بزرگی برای ناسیونالیسم عرب محسوب می شد و سبب گردید تا موج ناسیونالیسم کم کم فرو نشیند و مردم بیش از پیش به اسلام روی آورند و سعی کردند که غرور و وحدت از دست رفته را با تمسک به ارزش های اسلامی بازیابند و راه حل مشکلات خود را در قوانین اسلامی جستجو کند. پس از وی محمد حسنی مبارک جانشین او شد . در دوره او نیز نارضایتی افزونتر شد و تعداد بسیاری از رهبران مخالف به ایجاد ناآرامی متهم و دستگیر شدند. در همین حال بنیادگرایان اسلامی به مبارزه خود برای نمادی کردن قوانین اسلامی شدت بخشیدند. این امر موج جدیدی از دستگیری ها را در اواسط 1985 به دنبال داشت. همه آنچه که در مصر بعد از ترور انورسادات ، رخ داده ، ثابت می کند که سررشته تحولات این کشور نه به دست احزاب و نیروهای رسمی سیاسی مصر بلکه دست طرفداران طیف سوم اسلامگرایان مصری است . مردم مصر در سطح داخلی و در ۳۰ سال حکومت نامبارک و حتی دوران قبل از آن دچار انواع سرکوب گری های سیاسی ؛ ظلم ها و تبعیضات اجتماعی و اقتصادی بودند: مصر به ریاست حسنی مبارک بزرگترین آلت دست

اسرائیل و آمریکا بود و گاز طبیعی مصر به یک چهارم قیمت واقعی جهانی به اسرائیل صادر می شد. و به این واسطه مصریهای بیشماری با عطش نابودی مبارک و از میان برداشتن ظلم ها و تبعیضات سی ساله در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ تجمع کردند. مخالفان اهداف این اعتراضات را با الهام از موفقیت انقلاب تونس انقلاب علیه شکنجه، فقر، فساد و بی کاری، سرنگونی حسنی مبارک و لغو قانون شرایط اضطراری، افزایش حداقل دستمزدها، پایان دادن به خشونت‌ها و مهمتر از همه خواسته اخیر خود را روی کار آمدن دولتی مردمی اعلام کردند. اما آنچه در این اعتراضات، نمود بیشتری داشت بازگشت به تمدن اسلامی با به کارگیری ارزش‌های انسانی است و در آن، عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل، جمع می شود که اصطلاحاً از آن تعبیر به بیداری اسلامی شده است. سرانجام قیام مردم مصر ۱۸ روز پس از شروع قیام در روز جمعه ۱۱ فوریه (22 بهمن)، مصادف با روز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد.

عمر سلیمان اعلام کرد که حسنی مبارک از منصب خود کناره گیری کرده است و اداره امور کشور را به شورای عالی نیروهای مسلح مصر سپرده است. اعتراضات سراسری ۲۰۱۱ مصر در شرایطی اتفاق افتاد که ۴۰٪ مردم مصر دارای درآمدی کمتر از ۲ دلار در روز هستند و آخرین آمار، نرخ تورم در این کشور را ۱۳٪ اعلام می کند. شکاف طبقاتی در مصر در آستانه بحران‌های این کشور بسیار بیشتر از حالت استاندارد جهانی می باشد. امروزه فراگیری اینترنت و فن آوری های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، موجب ظهور فضای مجازی در کنار جهان واقعی شده که این امر، معادلات و الگوهای ارتباطات سنتی، تولید، انتقال و مصرف اطلاعات را به هم زده و موجب تغییر در آن شده است. چنین فضایی که به عنوان واقعیت مجازی یک پارچه، در نظر گرفته میشود، از ویژگی هایی چون بی مکانی، فرا زمان بودن، صنعتی بودن محض، عدم محدودیت به قوانین مدنی متکی بر دولت- ملت ها، از معرفت شناسی تغییر شکل یافته پسامدرن برخوردار بودن، قابل دسترسی بودن همزمان، روی فضا بودن و برخوردار بودن از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و نیز آزادی از هویت بدنی و جنسی جدید برخوردار است. شبکه اجتماعی مجازی یا شبکه اجتماعی اینترنتی، وب سایت یا مجموعه ای از وب سایت هایی است که به کاربران امکان می دهد، علاقه مندی ها، افکار و فعالیت های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند؛ به عبارت

دیگر، شبکه های اجتماعی سایت هایی هستند که با استفاده از یک موتور جست و جوگر و افزودن امکاناتی مانند چت، پیام رسانی الکترونیک، انتقال تصویر و صدا و... امکان ارتباط بیشتر کاربران را در قالب شبکه ای از روابط فردی و گروهی فراهم می آورند. وبلاگ ها، فیس بوک، توییتر، یتوب، پادکست از جمله شبکه های اجتماعی مجازی هستند. اکنون فیس بوک سرشناسترین شبکه اجتماعی اینترنتی است که با استقبال بسیاری مواجه شده است. این شبکه بیش از پانصد میلیون جمعیت دارد که سومین منطقه پر جمعیت جهان پس از چین و هند به شمار می آید. در هر ثانیه هشت کاربر جدید در این سایت ثبت نام می کنند. استقبال از شبکه های اجتماعی از آن روست که کاربران اینترنتی می توانند برای اغلب نیازهای آنلاین خود در این وبسایتها پاسخ مناسب بیابند. در شبکه های اجتماعی کاربران می توانند پروفایل های شخصی برای خودشان بسازند که شامل مشخصات، تصاویر، علاقه مندی ها و سایر موارد اینچنینی است. امکانی شبیه به وبلاگ ها و میکرو بلاگ ها برای نوشتن مطالب کوتاه و یادداشت های روزانه و فضایی شبیه به سایت های عکس برای قرار دادن تصاویر شخصی، ایجاد فضایی شبیه به چت برای گفت و گوهای فوری میان کاربران، قابلیت ساختن اتاق های گفت و گو و صفحات هواداری شبیه به فروم های اینترنتی از جمله ساده ترین این امکانات است. شبکه های اجتماعی متناسب با نوع موضوع فعالیت شان امکانات دیگری از قبیل خبرخوان های اینترنتی، بازی های آنلاین، قابلیت آپلود کردن ویدئوها و فایل های کامپیوتری و برقراری ارتباط با سایر رسانه های شخصی را نیز در گزینه های شان دارند. بدین ترتیب اغلب امکاناتی را که کاربران اینترنتی پیش از این از طریق مراجعه به چندین وبسایت کسب می کردند، یک جا در شبکه های اجتماعی دریافت می کنند.

این قابلیت که یک کاربر بتواند با امثال خود در کشورهای دیگر جهان ارتباط برقرار کند باعث می شود تا این شبکه ها به مکانی تبدیل شوند که در آنها ایده های جدید معرفی شده و مورد بحث قرار گیرند. وجه مشترک گونه های متعدد رسانه های اجتماعی، مخاطب محور بودن آنها و تولید محتوا توسط افراد استفاده کننده است، بدین صورت که در رسانه های اجتماعی هر فرد محتوایی را که خود تولید یا انتخاب کرده است با دیگر افراد به اشتراک می گذارد. شبکه های اجتماعی مجازی محیط مساعدی را برای مشارکت افراد در جامعه مجازی، برقراری

روابط نمادین و کشف مجدد خود و بازتعریف هویت‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و... فارغ از محدودیت‌ها و عوامل سرکوب‌کننده از طریق تعاملات مجازی و نمادین فراهم می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشترین شباهت را به جامعه انسانی داشته و به فرد امکان برقراری ارتباط با شمار بسیاری از افراد دیگر را فارغ از محدودیت‌های زمانی، مکانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی را می‌توان همچون زیرمجموعه‌ای از جامعه در نظر گرفت که افراد در آن به زندگی‌ای موازی با زندگی بیرونی خود در جامعه واقعی می‌پردازند و با افراد دیگر ارتباط برقرار می‌کنند. افراد با حضور در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از گونه‌های مختلف رسانه‌های اجتماعی از مزایای حضور در این اجتماع مجازی نظیر حمایت اطرافیان، اطلاعات، عواطف و احساسات برخوردار شده و اغلب جوانب زندگی واقعی خود را که نیازمند حضور فیزیکی افراد در کنار یکدیگر نیست در این اجتماعات مجازی دارا هستند. این شبکه‌ها کارکردهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ارتباطی دارند و بیش از پیش رابطه‌های چهره به چهره را کاهش می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی را فراتر از گونه‌ای وبسایت می‌توان به‌عنوان رسانه‌های جدیدی در نظر گرفت که در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تغییراتی ایجاد کرده‌اند. چالش‌هایی که شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر با آنها مواجه بوده‌اند، حوزه‌هایی فراتر از فضای مجازی را تحت تاثیر قرار داده است. شبکه‌های اجتماعی بعنوان یکی از گونه‌های رسانه‌های اجتماعی، امکانات تعاملی قابل توجهی برای کاربران اینترنتی فراهم کرده‌اند و در افزایش مشارکت شهروندان در برخی فرآیندها موثر بوده‌اند. شبکه‌های اجتماعی قدرت بسیج‌کنندگی دارند یعنی می‌توانند افراد را در یک زمان و یا مکان در محیطی واقعی گرد هم آورند، یا در محیط مجازی به کمپین بپردازند. این شبکه‌ها، فضای تعاملی جسورترین آدم‌هایی است که فعالیت در این شبکه‌ها را نوعی فعالیت مدنی و حتی مبارزه مدنی می‌دانند. لذا از نقد بی‌رحمانه حاکمیت، سیاستمداران و رسانه‌های رسمی ابایی ندارند. به همین جهت زبان آنها متفاوت با سایر رسانه‌ها به نظر می‌رسد. جنبش‌های اجتماعی با تحرک یا تجمع گروه‌هایی از افراد متولد می‌شوند. این تحرک از یک سو به معنای جایجایی جمعیت است و از سوی دیگر به معنای سرعت یافتن ایده‌ها، ارتباطات و تماس‌ها است. در این شرایط افرادی که کمتر محتمل بود با

همدیگر ارتباط داشته باشند یا پیوندی بین آنها به وجود آید، فرصت آن را خواهند یافت تا یکدیگر را همیابی کند. تحرک جغرافیایی یا جابجایی جمعیت امکان فراتر رفتن از محیط سنتی و قرار گرفتن در شرایط جدیدی را مهیا خواهد کرد که ظرفیت های افراد را افزایش خواهد داد.

عرصه سایبر و فضای مجازی در آینده ای نزدیک در تسخیر شبکه های اجتماعی خواهد بود؛ لذا ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را دچار تحول جدی و ساختاری خواهد نمود. آنها می توانند فرهنگ دموکراتیک را گسترش دهند و نقشی اساسی در بازآفرینی، تقویت و واقعی تر شدن هویت ها داشته باشند. اینترنت از یک سو آگاهی سیاسی افراد را افزایش می دهد و از سوی دیگر آنها را در مناسبات سیاسی درگیر می کند و از آنجایی که فضای عمومی شهری برای گفتگو به ندرت وجود دارد در نتیجه فضای مجازی به عرصه ای برای گفتگو تبدیل می شود. ویژگی اصلی این فضا و این شبکه های اجتماعی مجازی پویایی آنهاست که با توجه به ابزارهایی که در اختیار کاربران قرار می دهند سبب می شوند تا افراد بهتر بتوانند گرایشات سیاسی خود را نشان دهند. کاربران رسانه های جدید اجتماعی در دوران کنونی نقش پر رنگتری در تولید محتوا دارند. شبکه های اجتماعی اینترنتی به عنوان منبعی برای تعیین سطح سرمایه اجتماعی می توانند مورد سنجش قرار بگیرند. اعتماد به عنوان سنگ بنای سرمایه اجتماعی و عامل تعیین کننده سطح سرمایه اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد چرا که امروزه اعتماد به شبکه های اجتماعی اینترنتی می تواند عاملی مهم برای میزان استفاده و نحوه استفاده از این شبکه ها باشد. در شبکه های اجتماعی فضایی ایجاد شده که کاربران به جبران محدودیت ها و موانع فضای واقعی زندگی می پردازند. در این شبکه های مجازی فرصتی ایجاد شده برای تعاملات، ارتباطات و انتقال پیام و سایر کارکردها که نسل جوان به خوبی از آن استفاده می کنند. کارکردهای شبکه های اجتماعی و رسانه های اجتماعی در هر جامعه ای متفاوت است و می توان به نقش آنها در مسایل گوناگون اذعان کرد که انقلابها و خیزشهای اجتماعی در کشورهای عربی در چند ماه اخیر نمونه ای از کارکرد سیاسی این شبکه هاست. جنبش های اجتماعی جدید که هدف آنها کوششی هماهنگ و متمرکز برای رسیدن به هدف یا اهداف مشترک است، هم به نوعی متأثر از شبکه های اجتماعی شده اند و این جنبش های جدید شکلی از

فعالیت مدنی و سیاسی عقلانی هستند. این شبکه‌ها می‌توانند به دولت قویتر یا قدرت بیشتر شهروندان و برجسته شدن منافع اجتماعی منجر شوند. این شبکه‌ها هم می‌توانند برای مراقبت و نظارت متمرکز و ثبت و ضبط مدارک و شواهد به کار روند و هم می‌توانند در خدمت استقلال محلی و مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیریهای سیاسی قرار بگیرند. بنابراین به این معنی می‌توان گفت که شبکه‌های اجتماعی، جماعت‌هایی در وضعیت مدرن و واسطه‌ای میان جامعه و دولتهای مدرن هستند که وارد مسایل مربوط به امر عمومی می‌شوند. یکی از دلایل خودکشودگی افراد در زمینه‌های مختلف به ویژه در زمینه سیاست در شبکه‌های اجتماعی به خاطر فضای آزادی است که در آن وجود دارد و منجر به خوداظهاری کاربران و آشکارا ابراز کردن علایق و عقایدشان شده است. دسترسی سریع و آسان و بدون هزینه به شبکه‌های اجتماعی، نبود رسانه‌های آزاد و منتقد، کنترل کمتر این رسانه، امکان درج نظر و اخبار در هر لحظه و امکان مشاهده انعکاس نظرات کاربران، نداشتن مخاطرات و هزینه‌های بحث‌های رو در رو، سبب استقبال زیاد کاربران از آنها شده است. استبداد، سبب می‌شود که جامعه به سمت پنهان کاری تمایل پیدا کند و فرهنگ نیز به فرهنگ رسمی و آشکار و فرهنگ غیر رسمی و غیر آشکار، تقسیم گردد. ساکنان سرزمین استبداد، به بازیگرانی با نقاب و صورتک‌های دروغین تبدیل می‌گردند که در لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی، پنهان می‌شوند و هر شخص، الزاما آن نیست که نشان می‌دهد. دوگانگی زندگی پنهان و آشکار اجتماعی، به گونه‌ای پیش می‌رود که شکاف بزرگی میان واقعیت‌هایی که در لایه‌های زیرین مناسبات وجود دارد و نمایش‌هایی که بر پرده‌ی جامعه انعکاس می‌یابد، بروز می‌نماید. وقتی عرصه‌ی عمومی جامعه، محدود می‌شود و انسداد سیاسی بر تاروپود روابط اجتماعی گسترش می‌یابد، تغییراتی که باید در حوزه‌ی عمومی و قابل مشاهده‌ی اجتماعی رخ دهد، به شبکه‌های اجتماعی و لایه‌های پنهان کشیده شده و بدین ترتیب از چشم حکومت محو می‌شود. وقتی تغییرات به لایه‌ی پنهان جامعه ارجاع داده شد، حاکمان، خود را از شناخت تغییر و تحولات جامعه محروم می‌کنند. هنگامی که عرصه‌ی عمومی به انسداد کشیده می‌شود و فضای سیاسی جامعه، تیره می‌گردد، مجادلات و منازعات سیاسی به شبکه‌های اجتماعی کشیده می‌شود و فضای گفتگوی آزادانه از بین می‌رود، لاجرم این

نوع از کنش های سیاسی به شبکه های اجتماعی و روابط پنهان جامعه عقب رانده می شود. تحریک سیاسی شبکه های اجتماعی به عنوان یکی از پیچیده ترین و سخت ترین پایگاه های مقاومت مدنی غالباً پس از ناامیدی از توجه صاحبان قدرت به ظرفیت های قانونی در احقاق حقوق برخی از شهروندان و مطالبات بخشی از جامعه صورت می گیرد. نبود بسیاری قیود و محدودیت ها که برای سایر اقسام رسانه ای وجود دارد، در محیط مجازی، گستره فعالیت در این فضا را برای اهداف و انگیزه های امنیتی و سیاسی افزایش می دهد. شبکه های اجتماعی شکل اجتماعی نوینی از ارتباطات را به وجود آورده که در عین حال توده ای است؛ اما به صورت انفرادی تولید و دریافت می شود و تاثیر می گذارد. با این همه، در سراسر جهان، به ابزاری در خدمت جنبش های اجتماعی تبدیل می شود؛ این جنبش ها ، باید بتوانند برای دستیابی به اهداف خود، در سه زمینه توانمندی داشته باشند: شکل دادن به هویت جمعی، متقاعد ساختن پیروان خود و بسیج آنها. این جنبش ها، با استفاده از تکنولوژی های جدید اطلاعاتی، می توانند به راحتی به هر سه هدف مذکور دست یابند. در این شبکه ها، تأثیر بر افکار عمومی و بسیج آن ، به گونه ای است که به واسطه این رسانه ها، نوعی فضای عمومی شکل می گیرد و بسیاری افراد، بی آن که یکدیگر را ببینند و تبادل نظر کنند، مانند یکدیگر فکر و در نتیجه مانند یکدیگر نیز عمل می کنند. بر این اساس، از طریق تولید پیام، شعار و اندیشه، به شیوه ای هنری و از طریق تصویر، گرافیک، صدا و موسیقی، تصورات دستکاری و بسیج می شوند و در نهایت فعالیت سیاسی، این امکان را می یابد که با زندگی روزمره آمیخته شود.

همچنین شبکه های اجتماعی مجازی همانند آزمایشگاهی است که جنبش های اجتماعی، میزان توانمندی خود را بررسی می کنند. در چنین حالتی شبکه های اجتماعی، تنها به عنوان وسیله سیاسی عمل نمی کنند، بلکه خود به فضای سیاسی تبدیل می شوند. همچنین کاربرد شبکه های اجتماعی این امکان را به جنبش های اجتماعی می دهد که روش های سنتی بیان اعتراضات خود، همانند راهپیمایی ها، اعتراضات، شعارها و استفاده از نمادها را آسان تر به کار برده و آن ها را با روش های نمادین جدید ترکیب کنند. بر همین اساس، این جنبش ها توانمندی بیشتری برای جذب طبقه جوان جامعه و شکل دادن به افکار عمومی دارند. با کاربرد تکنولوژی

های اطلاعاتی جنبش های اجتماعی به استفاده از پوشش رسانه ای جمعی نیازی ندارند. در عین حال یکی از آسیب های جدی شبکه های اجتماعی، عدم توانایی شبکه های اجتماعی برای نهادسازی سیاسی در جریان اعتراضات و پس از آن است؛ برای مثال توئیتر یا فیس بوک، تنها می توانند به شکل دهی اعتراضات و سرنگونی حکومت کمک کنند؛ اما توانایی برنامه ریزی برای اداره حکومت یا ایجاد نهادهای دموکراتیک را نداشته و نمی تواند، از آرمان ها و اهداف موردنظر خود دفاع کند. هر چند افزایش تعارضات ساختاری و دوگانگی هویت، یکسان سازی فرهنگی، تقویت گرایش های گریز از مرکز (فروملی و فراملی)، ایجاد اختلاف و شکاف میان ملت ها به دلیل ملی گرایی افراطی، ایدئولوژی های متضاد و در نهایت بروز شکاف فرهنگی، یکپارچگی افقی گروه ها و طبقات و تشدید دوقطبی، تضاد با ارزش ها، باورها، تضعیف پیوندهای سنتی از طریق تقویت و تبلیغ ارزش های غربی و کمک به استحاله فرهنگی، بهره برداری تبلیغاتی و انتشار اخبار غیرواقع تحریف شده، ایجاد نخبگان سیاسی و فرهنگی وابسته، به جریانات خود ساخته از طریق شبکه ارتباطی، از آسیب های سیاسی شبکه های اجتماعی مجازی محسوب می شود. اما آنچه مسلم هست نقش و تاثیر انکارناپذیر این شبکه ها بر مناسبات سیاسی است که عرصه ارتباطات سیاسی را متحول کرده اند. با وجود محدودیت ها و سرکوب معترضین توسط دولت مصر، جامعه مدنی مصر به مبارزه برای تحول و تغییر سیاسی ادامه دادند و افزایش شمار جنبش های ناراضی در سراسر جامعه مصر مشهود بود. در این میان فیس بوک و اینترنت گزینه های مناسبی برای عمل گروه های نو و نیروهای سیاسی در حال پیدایش جامعه مدنی قرار گرفتند. نسل نو فعالان سیاسی با بهره گیری از اینترنت و تلفن تلاش دارد با جامعه معترضین تماس بگیرند. در مصر بیش از 20 میلیون نفر از اینترنت استفاده می کنند. 42 میلیون نفر تلفن همراه دارند. از این دویابت مصدرقاره افریقا اول است. در مصر 162 هزار بلاگر فعالند. اکثرشان هم جوانند و درطول عمرشان جزمبارک، رئیس جمهوری ندیده اند. اینترنت برای این جوانان راه تازه ای گشوده است. در سال 2008 یک گروه با بهره گیری از فیس بوک توانست 80 هزار نفر را علیه گرانی مواد غذایی بسیج کند. هم چنین از فیس بوک برای جلب پشتیبانی از اعتصاب کارگران پارچه بافی و اعتراض های کارگری 6 آوریل 2008 استفاده خوبی شد و این نخستین اعتصاب موفق در این کشور بود که

با بسیج اینترنتی برگزار شد و دولت مصر در 6 آوریل 2008 یکباره تکان خورد و سعی در رسیدگی به درخواست معترضین کرد. از آن زمان، 6 آوریل روز ناخشنودی ملی مصر نام گرفت و همه گروه های سیاسی و اجتماعی مصر به این مناسبت بسیج شده و خواهان انجام اصلاحات در کشورشان هستند. انقلاب مصر و موج اعتراضات در این کشور با فراخوان تجمع در روز ۲۵ ژانویه در صفحه "کلنا خالد سعید" به عنوان روز انقلاب بر ضد فقر و فساد و بیکاری مصر در فیس بوک آغاز شد. صفحه "همه ما خالد سعید هستیم" به "سعید" جوان مصری اشاره دارد که چند ماه پیش از این بر اثر شکنجه پلیس، جان سپرد اما مسئولان از پذیرش مسئولیت آن خودداری کرده بودند. این فراخوان برای انجام اعتراضات در مصر، توسط یک گروه جوانان حامی دموکراسی به نام جنبش ۶ آوریل انجام شد. روز ۲۵ ژانویه از آن رو پیشنهاد شد که «روز ملی پلیس» در مصر است. دهها هزار نفر در یک صفحه فیس بوک اعلام کردند که در تظاهرات شرکت خواهند داشت. وزارت کشور اعلام کرده بود که با قاطعیت با قانون شکنان برخورد خواهد کرد زیرا بر اساس قانون شرایط اضطراری، تظاهرات خیابانی ممنوع است؛ اما با همه اینها اعتراضات و شورشها در چندین شهر ادامه پیدا کرد و مصری های بیشماری با عطش نابودی مبارک و از میان برداشتن ظلم ها و تبعیضات سی ساله در ۲۵ ژانویه تجمع کردند و روز اول انقلاب با نام روز خشم ملت مصر آغاز گشت. تجمع چند هزار نفری در روزهای پس از ۲۵ ژانویه به تجمعات و راهپیمایی ها میلیونی در قاهره برای سرنگونی مبارک تبدیل شد. وائل غنیم مدیر منطقه ای گوگل در خاورمیانه، مدیر صفحه کلنا خالد سعید در فیس بوک که نخستین قرار برگزاری راهپیمایی اعتراض آمیز در مصر، در این صفحه اینترنتی گذاشته شد؛ دو روز پس از آغاز انقلاب مصر توسط نیروهای امنیتی به مدت ۱۲ روز بازداشت شد. با توجه به اینکه رسانه ها ، یکی از ابزارهای قدرت دولت ها محسوب می شود لذا در طی اعتراضات و انقلاب مردم مصر ، با توجه به نقش اینترنت که یک رسانه مردمی است و جوانان مصری از طریق آن اقدام به تبادل اطلاعات و سازماندهی قیام ها می کردند ، دولت مصر سه روز پس از شروع تظاهرات مردم ، در 28 و 29 ژانویه اقدام به قطع اینترنت و تلفن همراه نمود تا بدین وسیله ارتباط تظاهرات کنندگان را قطع کند. ناآرامی های مصر به سرعت تبدیل به یکی از مهم ترین موضوعات مورد بحث در شبکه های اجتماعی شد. و شبکه اجتماعی توئیتر توسط دولت مصر

در این کشور بلوکه شد. با این حال ، معترضان تلاش کردند روش هایی را برای رفع محدودیت های اینترنت و مخابرات موبایل پیدا کرده و امکان دسترسی به شبکه های اجتماعی را فراهم کنند. شبکه های اجتماعی آنلاین تا قبل از مسدود شدن اینترنت، برای سازماندهی اعتراضات ضد دولتی مصر به کار گرفته شدند اگرچه سرویس اینترنت از کار افتاد، اما معترضین از روش های جایگزین استفاده کرده و پیام ها را توئیت می کردند. آمریکایی ها معتقدند شبکه ی اجتماعی توئیت نقش مهمی در شنیده شدن صدای مردم مصر داشته است آن ها معتقدند همکاری این شبکه ی اجتماعی با غول اینترنتی گوگل باعث ایجاد امکان اشتراک صوتی فایل ها از طریق ایمیل صوتی شده است. استفاده از شبکه های اجتماعی مزایایی داشتند از جمله: داشتن ارزش خبری تازگی، انتشار و دسترسی فوری به اطلاعات و گستردگی تولید و انتشار محتوا فراتر از مرزهای ملی با مشارکت مصری های غیرساکن در مصر. در این میان برخی از تحلیلگران غربی اصرار دارند که بگویند شبکه های اجتماعی نقش مهمی در تحولات دمکراتیک در کشورهای عربی ایفا کرده اند و بر نقش رسانه های اجتماعی به ویژه فیس بوک در بسیج و تشدید قیام مردمی در مصر بسیار تاکید دارند. به طوری که برخی از آنها، قیام مردم مصر را "انقلاب رسانه های اجتماعی" توصیف کرده اند یا آن را به «انقلاب فیس بوکی» تشبیه می کنند و تلاش دارند تا این تغییرات و تحولات را بجای اراده مردمی به قابلیت ها و ظرفیت های شبکه های اجتماعی از جمله فیس بوک و توئیت نسبت دهند. اما واقعیت اینست که برای جنبشی مردمی در مصر، با در نظر گرفتن جمعیت این کشور، پایگاه فیس بوک بسیار کوچک است. چرا که بر اساس پایگاه اینترنتی سوشال بیکرز که آمار مراجعه به فیس بوک را دارد، هم اینک حدود پنج میلیون و دویست هزار مصری جزو کاربران فیس بوک هستند. به بیان دیگر، کمتر از هفت درصد از مردم مصر به فیس بوک مراجعه می کنند. و این تحلیل ها که انقلاب های منطقه را به فیس بوک تقلیل می دهند ، تحلیل بی پایه و کاملاً غیرجامعه شناختی هست. این رسانه ها ممکن است یک نقش حداقلی داشته باشد ولی اصلاً اهمیت با ضریبی که بخواهد حساب آورده شود، ندارند. آن هم با توجه به آمار نفوذ اینترنت در مصر ، عقلاً نمی تواند اثر مهمی داشته باشد. برای آمریکا در خاورمیانه هیچ چیز مهم تر از اسرائیل نیست و اگر آمریکا می توانست به وسیله فیس بوک جلوی انقلاب را بگیرد و مهمترین متحدانش در

منطقه به خصوص حسنی مبارک را از دست ندهد، حتما این کار را انجام می‌داد. ضمن اینکه بارها اتفاق افتاده که اگر صفحه‌ای یا فردی در فیس بوک به قدرت رسانه‌ای برسد و علیه آمریکا و متحدانش کار کند، حذف می‌شود. البته شبکه‌های اجتماعی برای اطلاع دادن واقعیات منطقه به مردم غیر مسلمان (به خصوص ساکنان اروپا و آمریکا) و شکستن سانسور رسانه‌ای درباره کشورهای اسلامی، به خصوص فیس بوک - به دلیل جمعیت زیاد کاربران - در طی انقلاب مصر قابل استفاده بوده است. ولی آنچه در فیس بوک رخ داد در حقیقت اسبابی شد تا ترسی که در جان و دل مردم مصر خانه کرده بود، جای خود را به جسارت و شجاعت به خیابان ریختن بدهد. اما آنچه که وداع مبارک را باعث شد تنها و تنها فیس بوک و بیانیه‌های منتشر شده بر روی آن نبود. این خیزش عمومی نتیجه سالها خشونت؛ خفقان؛ محرومیت و فساد مالی دولتمردان بود. این نهادهایی مانند فیس بوک بودند که توانستند خشم عمومی را هدایت کنند. لذا مخالفان مبارک برای نشان دادن خشم خود به شبکه‌هایی مانند فیس بوک آمدند و تصمیم به تظاهرات گرفتند. واضح است که ملت‌ها بدون چنین ابزارهایی هم دست به انقلاب می‌زنند؛ اما در حکومت‌های سرکوب‌گر که ارتباطات سیاسی چهره به چهره به شدت محدود است، محیطی مانند فیس بوک فضایی را فراهم می‌کند که سکوت و ترس در آن شکسته شده و اعتماد ایجاد می‌شود. در چنین شرایطی است که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به سیاست بگرایند و ساکنان داخل یک کشور و خارج نشین‌ها به هم بپیوندند. اهداف طراحان شبکه‌های اجتماعی هر چه می‌خواهد باشد، مردم این شبکه‌ها را به کار می‌گیرند تا اخبار و اطلاعاتی را که به سختی از رسانه‌های حکومتی اعلام می‌شود منتشر کنند، اقدامات اعتراضی را برنامه‌ریزی و هماهنگ نمایند، و به جهان بگویند که چه رویدادی در حال وقوع است. به عنوان مثال جنبش کفایه در مصر طی سال‌ها به فعالیت در عرصه وبلاگ نویسی مشغول بود و ویدئوهای پرشماری را راجع به شکنجه پلیس و شورش‌های عمومی بر روی یوتیوب منتشر کرد. یک صفحه فیس بوک مصری به نام «ما همه خالد سعید هستیم» که توسط شخصی به نام «وائل غنیم» ایجاد شد و صفحه «جنبش جوانان ششم آوریل» تبدیل به مهم‌ترین جنبش اعتراضی مصر شدند و در پایان ماه مارس سال ۲۰۱۱ میلادی هر یک از این رسانه‌های اجتماعی بیش از ۱۰۰ هزار عضو داشتند. در چنین اوضاعی، حتی دولت موقت

نظامی مصر، استعفای شفیق و جایگزینی او را از طریق صفحه فیس بوکش اعلام کرد. اما نباید فراموش کرد که بخشی از نقشه استکبار جهانی پیرامون خیزش های اخیر در کشورهای مسلمان، تلاش برای پر رنگ کردن نقش شبکه های اجتماعی و مجازی در بروز این خیزش ها برای انکار ماهیت اسلامی این انقلاب ها یا همان بیداری اسلامی است. چنانکه که خبرگزاری رویترز، در گزارشی پیرامون انقلاب مصر، انقلاب اسلامی مردم این کشور را انقلاب فیس بوکی نامیده بود. در حالی که مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران با اشاره به قیام اسلامی مردم مصر تأکید کردند: "قیام ملت مسلمان مصر، یک حرکت اسلامی و آزادیخواهانه است." فهمی هویدی اندیشمند معروف مصری در تازه ترین مقاله خود در روزنامه الخلیج می نویسد: آنچه رابطه ها و کاربران بر روی فیس بوک و توئیتر منتشر ساخته اند سهم مؤثری در ارسال مقادیر متنابهی از اطلاعات مهم تصاویر و فیلم های ویدیویی و غیره دارند. وی با بیان اینکه ملت مصر از تمامی قشرها گروه های سنی و مسلمان و مسیحی و فقیر و ثروتمند در این انقلاب شرکت کردند، تصریح کرد آنها همگی به خاطر دفاع از حیثیت و کرامت شان به پا خاستند و تمایلشان برای تغییر و درکشان از ضرورت رهایی از نظام یک شبه شکل نگرفت بلکه پس از تحمل سالها ظلم و استبداد احساس کردند که زمان آن رسیده است که باید قیام کنند و با خطوط قرمز به چالش برخیزند. هویدی بر این اعتقاد است که این انبار باروت آماده انفجار بود و زمانی که در چشم انداز انقلاب ملت تونس درخشید و همه دریافتند که قدرتمندتر از تمامی مستبدین هستند مصریها به پا خاستند و تصمیم گرفتند که بدون این که منتظر قهرمانی باشند باید خودشان حق خود را به دست بگیرند. "متیو انگرام" خبرنگار کانادایی بر این باور است که ارتباطات مردمی و شبکه های اجتماعی، دلیل به وجود آمدن انقلاب مصر هستند و توئیتر و فیس بوک، صرفاً نقش ابزار ارتباطاتی را ایفا می کنند. از این رو این قدرت شبکه های مردمی است که اهمیت دارد نه سرویس های اینترنتی چون توئیتر یا فیس بوک. برخلاف بسیاری از کارشناسان که معتقدند، توئیتر و فعالیت آن در به خیابان کشاندن مردم و به راه انداختن تظاهرات بسیار مؤثر بوده است؛ اما باید گفت آنچه جرقه شعله ور شدن این اعتراضات را زد، ناامیدی و خستگی مردم مظلوم و سرکوب شده مصر بود، که به هیچ وجه نمی توان آن را منکر شد. در واقع این توئیتر و فیس بوک نبودند که موجب انقلاب مصر

شدند بلکه، قدرت واقعی از شبکه‌های ارتباطی زنده که همان مردم باشند، ناشی می‌شود. و فقر و دیکتاتوری، بیش از رسانه‌های اجتماعی بر تحولات مصر مؤثر بوده است. چنان که این عقیده در مورد انقلاب تونس نیز وجود دارد. "ایونی موروزوف"، یکی از نویسندگان مجله فارین پالیسی، بر این عقیده است که تویتر و فیس‌بوک نقش چندان مهمی در وقایع تونس نداشتند. او می‌گوید: چنین عقیده‌ای که رسانه‌های اجتماعی نقش بسیار مهم و اعجاز‌آمیزی در بیدار کردن خشم فروخته اجتماعی دارند و اینترنت ابزار بسیار مناسبی برای این کار است، نوعی "آرمان‌گرایی سایبری" است. بسیاری از حامیان این رسانه‌ها دچار چنین تفکر اشتباهی هستند. موروزوف پیش از این کتابی در همین زمینه با عنوان "توهم شبکه" نگاشته است. وی پس از آغاز ناآرامی‌ها و جنبش مردمی در تونس روی سایت خود اعلام کرد که تویتر و فیس‌بوک نقش چندان در تحولات تونس ندارند و این انقلاب بدون وجود چنین شبکه‌هایی نیز شکل می‌گرفت. رسانه‌های اجتماعی چه به لحاظ جذب حمایت‌های روحی و تبلیغاتی توسط انتشار اخبار به سایر نقاط و چه به لحاظ استفاده در سازماندهی اعتراضات نقش غیر قابل انکاری در این تحولات داشتند که ناشی از قدرت شبکه و قابلیت آنها می‌باشد. اما همان‌طور که "جرد کوهن" مدیر گوگل می‌گوید: "شبکه‌های اجتماعی شتاب‌دهنده این تحولات بوده‌اند نه عامل آن."

چنان که "گری دوکتورو" در نقد کتاب موروزوف می‌گوید: حتی اگر تویتر و فیس‌بوک جایگزین اعلامیه‌هایی شده باشد که پیش از این به تیرک‌های کابل تلفن الصاق می‌شد و اکنون برای ارسال هزاران نامه الکترونیکی به خدمت گرفته شده باشند، باز هم باید بگوییم صرفاً کمک‌حال فعالان اجتماعی هستند. ضمن اینکه مارک زاکربرگ، بنیانگذار فیس‌بوک، اهمیت شبکه‌های اینترنتی در انقلاب‌های مردمی کشورهایمانند مصر و تونس را ناچیز دانسته و گفت: «اگر شرکتهای تکنولوژیک ادعا کنند نقش بسیار مهمی در این انقلابها داشته‌اند، دچار غرور بیش از حد شده‌اند. فیس‌بوک شرط لازم و کافی برای آنچه در جهان عرب روی داده نیست؛ بلکه اراده مردم و این احساس قوی جمعی که باید تغییر اتفاق بیافتد، شرط لازم و کافی برای هر انقلاب و ایجاد تغییر و تحول است.»

این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی